

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال چهارم ♦ شماره ۸ ♦ پاییز و زمستان ۱۳۹۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۳ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۶/۱۴ ♦ صفحات: ۲۲-۷

نقد و تحلیل قصه عبدالله بن سبا در گفتمان سازمان تروریستی - تکفیری داعش

کامیار صداقت ثمحسینی*

چکیده

مقاله حاضر با تحلیل قصه عبدالله بن سبا (به روایت سیف بن عمر)، در منابع سازمان تروریستی - تکفیری داعش، ابتدا آن را از حیث صورت و ماده با منابع مورد وثوق وهابیت رسمی مقایسه می‌کند و سپس با روش فرا تحلیل کیفی، در نتایج پژوهش‌هایی که به نقد آن قصه پرداخته‌اند، سستی اعتبار آن را خصوصاً در شکل-گیری عقاید و فتاوی تکفیری، تبیین می‌کند.

قصه مذکور یکی از محورهای مشترک گفتمان تکفیری سازمان تروریستی داعش با وهابیت رسمی سعودی علیه شیعه است. پیوستگی فوق موجب شده است تا ردیه بر این قصه هم به مثابه ردیه بر گفتمان داعش و هم وهابیت درباری (رسمی) صادق آید. این موضوع نشان می‌دهد، مبارزه با داعش، نیازمند مبارزه با گفتمان بزرگ‌تری از وهابیت است که داعش را در درون خود پرورش داده است.

کلیدواژه‌ها: تکفیر، داعش، شیعه امامیه، عبدالله بن سبا، وهابیت.

بیان مسئله

مقاله حاضر با تحلیل قصه عبدالله بن سبا در منابع سازمان تروریستی - تکفیری داعش، ابتدا آن را از حیث صورت و ماده (فرم و محتوای داستانی) با منابع مورد وثوق وهابیت رسمی (با شاخص هیئت علمای کبار دربار سعودی)، مقایسه می‌کند و سپس با الهام از روش فرا تحلیل کیفی،^۱ به مرور تحقیقاتی می‌پردازد که قصه مذکور را نقد کرده‌اند؛ از این طریق می‌توان اعتبار قصه‌ی ابن سبا به روایت سیف بن عمر (۱۷۰ق) را، خاصه در مقام صدور فتاوی فقهی سنجد و بی‌اعتباری آن را در مقام منبع یا مقدمه‌ای برای تکفیر اثبات کرد.

لازم به ذکر است که روش فرا تحلیل، مبتنی بر تحلیل نتایج مجموعه تحقیقاتی است که هر یک جداگانه، به یک مسئله مشترک پرداخته‌اند و اینک تمامی آنها در کنار هم تحلیل می‌شوند.

بدین منظور، مقاله حاضر، به ترتیب به سه محور زیر می‌پردازد:

۱. قصه‌ی ابن سبا در گفتمان تکفیری داعش؛
۲. نتایج مترتب بر قصه‌ی ابن سبا؛
۳. ساختار مشوش قصه‌ی ابن سبا؛

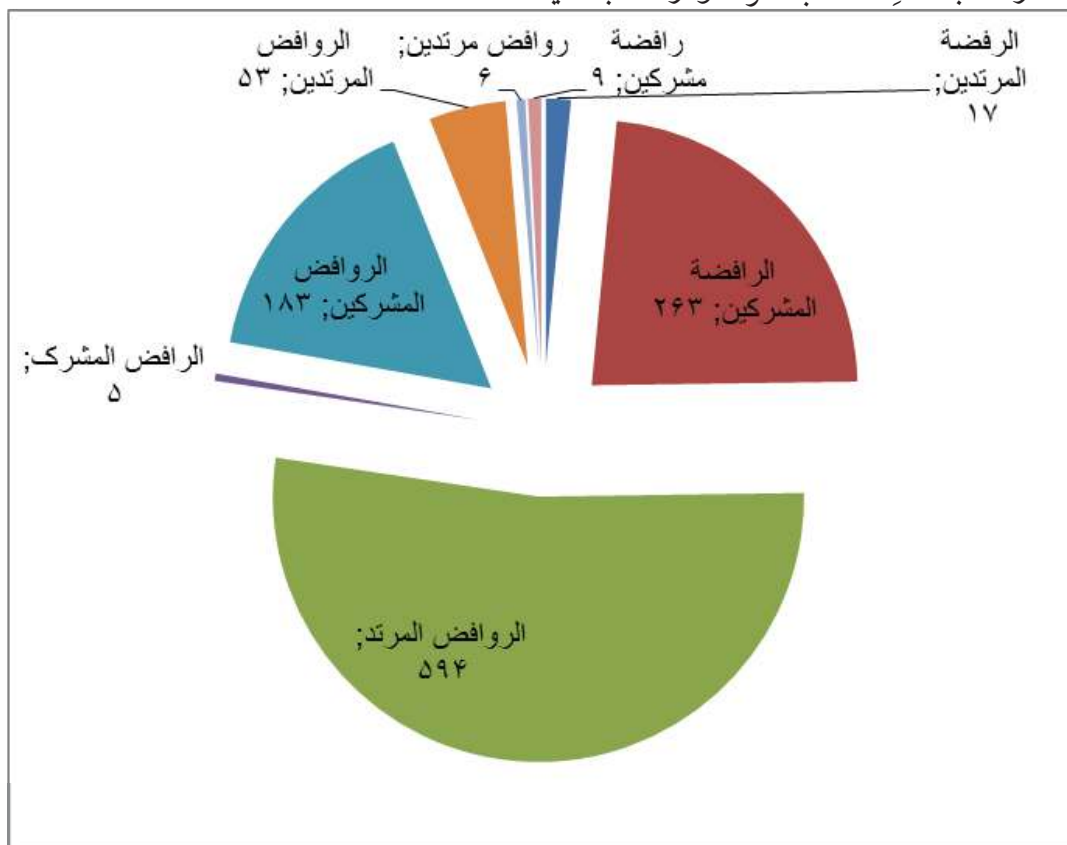
قصه‌ی ابن سبا در گفتمان تکفیری داعش

داعش از ابتدای شکل‌گیری خویش، بر راهبرد اولویت قتال با دشمن نزدیک با محوریت شیعه تأکید کرد.^۲ راهبرد مذکور که از منظری دیگر، بیان‌گر آغاز گسست داعش از القاعده بود،^۳ بر وجوب کشتار عامه شیعیان^۴ و حتی مقدم داشتن جنگ با آنان بر استرداد بیت المقدس استوار شده بود؛^۵ بدین سان، هفته‌نامه النبأ که از تاریخ سوم محرم

1. Qualitative Meta-analysis.

۲. النبأ، معرکتنا مع الرافضة حتى لا تكون فتنة، ع ۲۸۶، ص ۳.
۳. النبأ، تحولات الجهاد العالمي بعد اعلان الخلافة، ع ۶، ص ۹.
۴. النبأ، أقوال اهل العلم فی حکم الروافض المرتدین، ع ۲۶، ص ۱۲.
۵. النبأ، معرکتنا مع الرافضة، ع ۲۸۶، ص ۳.

۱۴۳۷ق، به عنوان ارگان رسمی خلافتِ داعش فعالیت می‌کرد،^۱ آکنده از برجسب‌های شرک و ارتداد (مانندِ الرافضة، المشركين، المرتدين) در توصیف شیعه شد.^۲ (تصویر شماره ۱: بسامدِ انتساب شرک و ارتداد به شیعه).



تصویر شماره ۱: بسامدِ انتساب شرک و ارتداد به شیعه در شماره‌های ۱-۲۲۶ هفته‌نامه النبأ بر حسب دفعات تکرار

آنان با حربه‌ی تکفیر، قتل مسلمانان را به عنوان عبادت و راهی برای تقرب به خدا، واجب شمرده^۳ و سیاستِ زمین سوخته را با تخریبِ خانه‌ها و به آتش کشیدن مزارع و زیرساخت‌های زندگی مسلمانان (به خصوص شیعیان)، به اجرا گذاشتند.^۴ سوزاندن

۱. النبأ، أهم المراحل في مسيرة تطوير نشرة النبأ، ع ۱، ص ۲.

۲. النبأ، غزوة طهران المباركة مرحلة جديدة من جهاد الروافض المرتدين، ع ۸۶، ص ۹؛ النبأ، أعداء المنافقين في التهرب من الجهاد، ع ۱۵۳، ص ۱۰.

۳. النبأ، فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم، ع ۴۷، ص ۳؛ النبأ، انوغرافيك النبأ فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم، ع ۹، ص ۲.

۴. النبأ، حرقوا مولدات كهرباء ومزرعة دواجن وقتلوا وأصابوا، ع ۱۶۶، ص ۵؛ النبأ، إصابة عناصر للجيش الرافضي قنصاً وتفجير وإحراق منزلين للروافض، ع ۱۷۱، ص ۴؛ النبأ، كمين في منطقة الدبس وعبوات ناسفة غرب الرياض، ع ۱۲۷، ص ۴؛ النبأ، تدمير وإعطاب آليات وإحراق ثلاثة منازل للمرتدين في كركوك، ع ۱۵۳، ص ۵؛ النبأ، تفجير مزار رافضي، ع ۱۱۹، ص ۸ و ۶.

اماکن عمومی، چنان مورد اهتمام داعش بود که آموزش شیوه‌های مختلف آن در دستور کار آنها قرار گرفت^۱ تا سراسر جهان اسلام آکنده از رعب و وحشت شود.^۲

اجرای چنین راهبردی در قبال مسلمانان شیعه، نیازمند باز نشرِ گفتمان تکفیری و شیعه‌ستیز سلفی - وهابی بود؛ در چنین شرایطی، قصه‌ی ابن سبأ به خوبی نظر تکفیری داعش را تأمین می‌کرد؛ لذا مناطق اشغالی داعش در عراق و سوریه مبدل به دانشگاهی بزرگ، جهت تعلیم عقاید تکفیری مانند قصه عبدالله بن سبأ شد.^۳

یکی از منابع داعش در شیعه‌ستیزی، سلسله سخنرانی‌های ابومصعب الزرقاوی در سال ۱۴۲۷ق، با عنوان «هل اتاک حدیث الرافضة» است. او مطابق با روش و عقیده ابن تیمیه، شیعه را متهم به اموری چون تحریف قرآن، شتم صحابه رسول الله ﷺ و توطئه علیه مسلمانان کرد و با طرح قصه عبدالله بن سبأ، به یهودانگاری مذهب امامیه و در نتیجه توجیه جنایات خویش مبادرت ورزید.^۴ کاملاً مشخص است که تصور زرقاوی از عبدالله بن سبأ، مبتنی بر قصه‌ی سیف بن عمر به نقل از طبری است. زرقاوی پیش از آن نیز، نامه‌ای در تبیین راهبرد ضدشیعی خود، به اسامه بن لادن (۱۴۳۲ق) نوشت و از برچسب «سبئی» استفاده کرده بود.^۵

رویکرد تکفیری زرقاوی در یادداشت‌ها و مطالب هفته‌نامه النبأ، منعکس شده است.^۶ در یک اطلاع‌نگاشت،^۷ در بیان مصداق آیه ﴿فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ﴾،^۸ ابتدا آمار جنایت کشتار شیعیان به دست داعش ارائه شد و آن‌گاه، سخنان تکفیری

۱. النبأ، انفوگرافیک النبأ انصار الخلافة فی الميدان، ع ۱۵۰، ص ۱۱.

۲. (النبأ، انفوگرافیک النبأ هجوم تازربو فی ولاية ليبيا، ع ۱۵۸، ص ۱۲)؛ «در آنجا سیاست مذکور را از زبان ابومحمد العدنانی بیان کرده است».

۳. النبأ، و لا زال العراق جامعة الجهاد، ع ۱۲۸، ص ۳؛ النبأ، مساجد الرحمن تمتلی بالمسلمین بعد الدورات الشرعية، ع ۲۶، ص ۱۳.

۴. زرقاوی، مصعب، الأرشيف الجامع لكلمات و خطابات ابومصعب الزرقاوی، ص ۵۲۵.

۵ «نامه مذکور به تاریخ ۲۴ ذوالحجة ۱۴۲۴ق منتشر شد»؛ (زرقاوی، ابومصعب، الأرشيف الجامع لكلمات و خطابات ابومصعب الزرقاوی، شبكة البراق الاسلامية).

۶ النبأ، اقامة الدولة الاسلامية بين منهاج النبوة و سبل اهل الضلالة، ع ۶۹، ص ۸.

7. Infographic.

۸. (سوره توبه، آیه ۵)؛ «در مطالب هفته‌نامه النبأ، ۱۹ بار به آیه مذکور استناد شده است».

زرقاوی علیه شیعہ با برچسبِ «سبئیہ» نقل شده است.^۱

رویگرد مذکور در دیگر مجله سازمان تروریستی داعش موسوم به دابق نیز دنبال شده است. عنوان یکی از مقالات آن در شماره ۱۳ مجله دابق، «رافضه، از ابن سبأ تا دجال» است که به تکفیر شیعہ امامیہ بر محور قصہ ی ابن سبأ اختصاص دارد.^۲ در آن مقاله، قصہ عبداللہ بن سبأ اقتباسی از کتاب مجموع الفتاوی ابن تیمیہ (و او به نقل از طبری) است. ابن تیمیہ، با تشبیه ابن سبأ به پولس،^۳ مدعی شده بود که اگر زمانی پولس منافقانه از یهودیت به نصرانیت گروید تا آیین مسیح را تحریف کند، ابن سبأ یهودی نیز منافقانه با هدف نابودی اسلام وارد صفوف مسلمین شد و با تردد در شهرهای مختلفی چون مدینہ، کوفہ، دمشق و مصر، به فتنہ افکنی میان صحابہ مبادرت کرد. از دید ابن تیمیہ، قتل خلیفہ مسلمین، جنگ جمل و پیدایش خوارج از نتایج تحرکات ابن سبأ هستند. ابن تیمیہ نهایتاً ابن سبأ را مؤسس شیعہ قلمداد و عقایدی چون رجعت، وصایت و تکفیر صحابہ را به او منتسب کرد. نویسندگان مقاله دابق، با چنین اقوالی بر کفر و ارتداد شیعیان و در نتیجہ، مشروعیت قتل ایشان تأکید کرده‌اند.^۴ مقاله دابق در ادامه، به مناقشات موجود میان داعش با القاعده (مناظرات مکتوب میان زرقاوی با مقدسی و اسامہ بن لادن و حواشی ایمن الظواہری)، درباره تکفیر عوام شیعہ پرداخته و از رویکرد تروریستی - تکفیری خود دفاع می‌کند.

آموزش قصہ عبداللہ بن سبأ محدود به نشریات نشد و در برنامه‌های شبکه رادیویی داعش (موسوم به البیان در شهرهای موصل و رقه)، نیز گنجانده شد. عنوان یکی از آن برنامه‌ها «القواصم الداحضة لعقيدة الرافضة» است که قصہ عبداللہ بن سبأ را از کتاب الفصل فی الملل والنحل ابن حزم (و او به نقل از طبری)، اقتباس کرده است. ابن حزم در کتاب مذکور، شیعہ را نامسلمان و ابن سبأ را مؤسس تشیع قلمداد کرده است؛^۵ این چنین

۱. النبأ، انفوگرافیک النبأ فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم، ع، ۹، ص ۲.

2. DABIQ (1437 RABI AL-AKHIR) THE RĀFĪDAH: FROM IBN SABA' TO THE DAJJĀL, 13, p32.

۳. پولس (حدود ۶۰م)، از مبلغان بزرگ مسیحی که از دین یهود به آن گروید. در همان زمان وی متهم به برخی تحریفات در تعالیم حضرت مسیح ﷺ شد.

4. DABIQ (1437 RABI AL-AKHIR) pp. 32-33

۵. «برنامه مذکور در ربیع الاول و ربیع الآخر سال ۱۴۳۷ق، جمعہ‌ها ساعت ۳:۴۵ عصر پخش می‌شد. فایل صوتی آن مشتمل بر یک مقدمه و هفت برنامه در پایگاه آرشیو (صفحه اذاعه البیان) archive.org موجود است»؛ «علامه امینی در



شد که قصه عبدالله بن سبا به روایت سیف بن عمر و با استناد به آرای ابن تیمیه و ابن-حزم، نقشی مهم در تکفیر و کشتار شیعه ایفا کرد؛ نظیر قتل وحشیانه دانشجویان غیر مسلح و بی دفاع در پایگاه آموزشی اسپایگر تکریت که در ماه شعبان سال ۱۴۳۵ قمری اتفاق افتاد.

یکی از برادران از او (ابوالمغیره القحطانی)، خواست، رافضی مشرکی را در اختیارش قرار دهد تا سرش را ببرد؛ شیخ به او گفت: بشارت باد بر تو که به اذن خدا سر هزار نفر رافضی از آن توست! بعد از دو روز خداوند بر او منت نهاد و هزاران تن از رافضی ها در اسپایگر در اختیارش نهاده شد تا آنان را سر ببرد و با ریختن خون ایشان، به خداوند تعالی تقرب جوید و به وعده ای که به برادرش داده بود، وفا کند...^۱

در تمامی منابع فوق الذکر، داعش در سیاق طرح قصه عبدالله بن سبا، شیعه را بدون هیچ قید و شرط و یا استثنایی تکفیر می کند. مستند داعش در تکفیر عامه مسلمین که با چنین قصه ها و باورهای سخیفی روی می داد، فتاوی عبدالله ابابطین (۱۲۸۲ق)،^۲ محمد بن عبدالوهاب (۱۲۰۶ق)، محمد بن عبداللطیف آل الشیخ (۱۳۶۷ق) و داعشی معاصر، حمد عبدالحمید و نظایر آنها بود.^۳ از لحاظ نظری، داعش چیزی افزون بر عقاید تکفیری شیوخ دربار سعودی مانند صالح الفوزان^۴ ارائه نداده است. آنها به رغم اختلافات شدید فی مابینشان،^۵ در اصول و مبانی تکفیر، مشابه هم هستند؛ زمانی که عبدالله بن سعدی الغامدی العبدلی (۱۴۲۵ق)، به تشویق عبدالعزیز بن باز (۱۴۲۰ق)، مفتی دربار سعودی، در کتاب عقیده الموحدين والرد علی الضلال و المبتدعین، مبادرت به احیای میراث شیوخ نجدی از رساله های ابابطین، ابن عبدالوهاب و دیگران

۱. الغدیر، پاسخ ابن حزم را داده است؛ (امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنة والادب، ج ۳، ص ۱۳۸-۱۳۴).
۲. النبأ، قصة الشهيد الامیر النبیل ابوالمغیره القحطانی ثبات حتی الممات، ع ۲۴، ص ۹.

3. DABIQ (1437 RABI AL-AKHIR) 13, p37.

3. DABIQ (1437 RABI AL-AKHIR) THE RĀFIDAH: ..., 13, p38.

۴. عوام الروافض کفار مثل علمائهم فتوی للعلامة صالح الفوزان؛

<https://www.youtube.com/watch?v=VL3o34faqNo>

۵. النبأ، طواغیت و مرتدون و لو تعلقوا بأستار الکعبة، ع ۱۶، ص ۱۳؛ النبأ، أعظم الناس إيماناً قوم یأتون من بعدکم یجدون صحفاً یؤمنون بها، ع ۲۷، ص ۱۳؛ النبأ، علماء السوء، ع ۴۵، ص ۱۳.

کرد تا حکم تکفیر معین و عدم عذر به جهل را تبیین کند،^۱ در حقیقت، به تدوین عقاید سازمان تروریستی داعش همت گمارد؛ زیرا در فاصله سال‌های ۱۴۳۷ - ۱۴۳۶ق، داعش، بسیاری از رساله‌های کتاب او را جهت تربیت اعتقادی جنگ‌جویان تکفیری در موصل و رقه منتشر کرد؛ نظیر رساله عبدالله ابابطین که به‌تنهایی در شمارگان یک‌صد هزار جلد منتشر شد؛^۲ در واقع، موضوع اختلاف داعش با شیوخ معاصر نجدی، نه بر سر مشروعیت فتاوی تکفیری شیوخ نجدی، بلکه درباره نحوه عمل مطابق با ذات تکفیر است؛ چنان‌که ابومحمد عدنانی (۱۴۳۷ق)، سخنگوی وقت سازمان تروریستی داعش، خطاب به شیوخ دربار سعودی می‌گوید: کلمات و عبارات در بیان حکم کافران و حکم به وجوب قتال با ایشان، کافی نیستند و حق مطلب را ادا نمی‌کنند؛ مگر آنکه سخن با عمل همراه شود و عمل یعنی، بریدن سر مرتدان و منهدم کردن و به مجازات رساندن آنان؛ این کارها باید به‌صورتی عیان و آشکار انجام شود تا جنگ حقیقی میان اسلام و کفر رخ دهد...^۳

نتایج مترتب بر قصه عبدالله بن سبأ

قصه‌ی ابن سبأ به روایت سیف بن عمر، صرفاً در تهاجم به شیعه خلاصه نمی‌شود؛ بلکه اساساً کارکرد آن، دفاع از نظریه عدالت تمامی صحابه می‌باشد؛ بنابراین، یک جنبه از آن دفاعی و جنبه دیگر آن تهاجمی است.

۱. دفاع از نظریه عدالت تمامی صحابه

مورخانی که درصدد تبیین برخی از صحابه در وقایعی چون شورش احزاب بر خلیفه عثمان بن عفان و جنگ جمل بودند، بی‌توجه به اعتبار اندک قصه‌های سیف بن عمر، آن را نقل کردند؛ زیرا قصه‌ی ابن سبأ و سبئی،^۴ مانند اسفنجی بود که با جذب گناهان برخی

۱. عبدلی، عبدالله بن سعدی، عقیده الموحدين، ص ۷.

۲. (النبا، صدر حديثاً عن مكتبة الهمّة، ۹ع، ص ۱۱)؛ «مشخصات كتاب مذکور چنین است»؛ (أبابطين، عبدالله، الانتصار لحزب الموحدين و الرد على المجادل عن المشركين، الدولة الاسلامية خلافة علي منهاج النبوة).

۳. النبا، حوارات، ۲۶ع، ص ۹.

۴. طبری، محمد، تاريخ الامم و الملوك، ج ۴، ص ۳۴۰؛ آصف‌خان قزوینی، قاضی احمد، تاريخ الفی، ج ۱، ص ۲۰۱؛

مظهری، محمد، التفسیر المظهری، ج ۲، ص ۱۰۷؛ حمدی زقزوق، محمود، الموسوعة القرآنية المتخصصة، ص ۲۹۵؛ زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج، ج ۹، ص ۳۷.

از صحابه، نظریه عدالتِ تمامی ایشان را محفوظ می‌داشت. لایه پنهانِ ذهنیتِ مورخی مانند ابن کثیر (متوفی ۷۷۴ق) که ابن سبأ را عامل اصلی فتنه‌های آن دوران می‌دانست،^۱ مبتنی بر این گزاره است که تمام اصحاب عادل هستند؛ هرچند بر امام علی علیه السلام خروج کرده باشند.^۲ استفاده ابزاری از قصه‌ی ابن سبأ، تا تطهیر جنایات یزید بن معاویه امتداد یافت. ابن تیمیه در رساله‌ای که پیرامون یزید بن معاویه نگاشت، کوشید با ترسیم فضای فتنه‌آلودی که پس از قتل خلیفه‌ی وقت (عثمان بن عفان)، شکل گرفت، راهی برای توجیه و تبرئه یزید بن معاویه بیابد.^۳ یکی از توجیحات او فتنه ابن سبأ بود؛^۴ اما چرا نظریه عدالت همه صحابه تا این درجه اهمیت داشت؟^۵ خدشه در عدالت صحابه، بابی را در ضرورت بازنگری در صحت برخی از احادیث می‌گشود. کافی است تا به مناقشه مهم شیخ محمد بن سلیمان الأشقر (متوفی ۱۴۳۰ق) توجه شود که با استناد به واقعه‌ای به مراتب کوچک‌تر از خروج بر خلیفه مسلمین، حدیث ابوبکره در صحیح بخاری را که پیرامون ولایت عامه زنان است، مردود دانست که در زمان خود، جنجالی بزرگ میان وهابیان ایجاد کرد.^۶ بدیهی است که خروج مسلحانه برخی صحابه بر خلیفه مسلمین چون امام علی علیه السلام، بدون توسل به توجیحاتی از قبیل فتنه عبدالله بن سبأ، پذیرش نظریه مذکور را دشوار می‌کند.

۲. رویکرد تهاجمی به تکفیر شیعه

در شیعه‌شناسی معاصر وهابیان، شیعه امامیه به ابن سبأ (به روایت سیف بن عمر)، منتسب می‌شود؛^۷ برای نمونه، عبدالله قصیمی (متوفی ۱۴۱۶ق)، در «الصراع بین الاسلام والوثنية» با توسل به قصه‌هایی از این دست، به یهودانگاری شیعه پرداخت^۸ و

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، البداية والنهاية، ج ۷، ص ۱۶۷.

۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، الباعث الحثيث شرح اختصار علوم الحديث، ج ۱، ص ۴۹۹-۴۹۸.

۳. ابن تیمیه، احمد، سؤال فی یزید بن معاویه لشیخ الاسلام ابن تیمیه، ص ۱۹.

۴. همان، ص ۲۲.

۵. «شیعه امامیه نظریه عدالت تمام صحابه را نمی‌پذیرد؛ اما عمیقاً به خیل عظیمی از ایشان احترام می‌گذارد. تنها در یک مورد، علامه امینی، نام ۱۴۵ تن از صحابه را نام برده است که در صفین در رکاب امام علی علیه السلام جهاد کردند و ۳۵ تن از آنان در غزوه بدر حضور داشتند»؛ (امینی، عبدالحسین، الغدير، ج ۹، ص ۵۰۲-۴۹۵).

۶. صداقت ثمرحسینی، کامیار، شیعه شناسی معاصر اهل سنت و چالشهای فراروی آن، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۲۳.

۷. امینی، عبدالحسین، الغدير، ج ۳، ص ۳۷۱ و ج ۹، ص ۳۰۳.

۸. قصیمی، عبدالله، الصراع بين الاسلام والوثنية، ج ۱، ص ۴۹۳-۴۹۲.

متعاقب آن، عبدالظاهر ابوالسمح (پیش نماز وقت مسجدالحرام)، در تقریظی منظوم بر آن کتاب سرود: تاکنون چنین می‌پنداشتیم که رافضی بودن جرم است، ولی کتاب الصراع، کفر آن را آشکار کرد.^۱

در شیعه‌شناسی وهابیان، مرجع فتاوی هیئت کبار علمای سعودی، آثاری از ابن-حزم، ابن تیمیه، محمود آلوسی (۱۲۷۰ق)،^۲ محب‌الدین الخطیب (۱۳۸۹ق)^۳ و نظایر ایشان است^۴ که تمام‌شان متأثر از قصه‌های سیف بن عمر بوده‌اند؛ از این حیث، وهابیت رسمی با سازمان تروریستی داعش وجوه مشترک جالب توجهی دارند. وهابیان رسمی این اشتراک نظر را کتمان می‌کنند تا آیندگان، داعش را از منظر خاستگاه اعتقادی وهابیت نبینند.^۵

ساختار مشوش قصه‌ی ابن سبأ

بسیاری از محققان از اهل سنت و شیعه، قصه‌ی عبدالله بن سبأ را از ابعاد مختلف زیر سؤال برده‌اند؛ مانند:

۱. بی‌اعتباری قصه‌گو (سیف بن عمر)؛
۲. تردید در وجود فردی به نام عبدالله بن سبأ؛
۳. مغایرت با عقل سلیم و اصول علم تاریخ؛
۴. احادیث شیعی در رد انتساب شیعه اهل بیت علیهم‌السلام به ابن سبأ؛
۵. تعارض با احادیث صحیح (نظیر تعارض انتساب عقیده وصایت به ابن سبأ با حدیث متواتر غدیر)؛

در منابع اهل سنت، رایج‌ترین الگوی قصه عبدالله بن سبأ، مأخوذ از تاریخ طبری و او نیز از سیف بن عمر کوفی است؛ چنان‌که گذشت، عقیده داعش در یهودانگاری شیعه بر پایه قصه عبدالله بن سبأ از دو طریق به طبری و از او به سیف بن عمر می‌رسد که اول

۱. همان، ج ۱، ص ۷۱۸.

۲. دهلوی، شاه عبدالعزیز، مختصر التحفة الاثنی عشریة، ص ۳۱۷ و ۱۰ و ۶.

۳. خطیب، محب‌الدین، الخطوط العریضة لدين الشیعة، ص ۲۱.

۴. فتاوی هیأت کبار علمای سعودی در alifta.net به شماره: ۳۲۰۶؛ ۷۳۰۸؛ ۸۱۸۷؛ ۸۸۵۲؛ ۹۴۲۰؛ ۱۱۴۶۱؛ ۱۱۴۶۱.

۵. «نمونه‌ای از یک نقد وهابیان رسمی بر داعش که با مسکوت گذاشتن ریشه‌های وهابی داعش همراه است»؛ (المحیمید، ابراهیم بن صالح، القصة الكاملة لخوارج عصرنا، المدینة المنورة، ص ۳۳۳-۱۷).



ابن حزم و بعد ابن تیمیه می باشد. مرجع نقل قصه مذکور در تألیفات مؤلفان معاصر نظیر عبدالله الجمیلی،^۱ سعدی الهاشمی^۲ و یا انور الجندی^۳ نیز، تمام شان به سیف بن عمر بازمی گردد؛ این در حالی است که سیف بن عمر، بنابر نظر جمعی از محدثان و محققان علم رجال، نظیر نسایی (۲۳۳ق) و ابوداود (۲۷۵ق)، فردی کذاب و در نتیجه، قصه های او نامعتبر است.^۴

قصه مذکور از حیث محتوا نیز دچار خدشه است. جمعی از اصحاب تحقیق (از قبیل استاد طه حسین و علامه سید مرتضی عسکری)، اصولاً در وجود شخصی به نام عبدالله بن سبأ (با توصیفات که سیف بن عمر دارد)، تشکیک کرده و او را موجودی خیالی دانسته اند.^۵ اینکه فردی منافق، با پایگاه اجتماعی پایین، (یهودی الاصل، تازه مسلمان در عهد خلافت عثمان بن عفان، سیاه چهره، کنیززاده و از اهالی صنعا یمن)،^۶ عهده دار تعلیم و تربیت جمعی از اصحاب حضرت رسول الله ﷺ و یاران امام علی علیه السلام مانند ابوذر غفاری، عمار بن یاسر، عبدالرحمن بن عدیس، صعصه بن صوحان، محمد بن ابی حذیفه، محمد بن ابی بکر و مالک اشتر و... شود و بتواند با ایجاد شبکه ای مخوف، همه را فریب دهد و اسباب قتل خلیفه سوم مسلمین گردد و جنگ جمل را رقم زند^۷ و حتی به تعبیر عجیب سعید افغانی، بازیگر توطئه ای بین المللی از سوی دولت روم باشد،^۸ با عقل سلیم و علم تاریخ سازگار نیست.^۹

از منظر مطالعات تطبیقی، قصه عبدالله بن سبأ به روایت سیف بن عمر، هم از

۱. جمیلی، عبدالله، بذل المجهود فی اثبات مشابهة الراضة لليهود، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. هاشمی، سعدی، ابن سبأ حقیقة لا خیال، ص ۲۴.

۳. جندی، انور، الاسلام و الدعوات الهدامة، ج ۳، ص ۲۳.

۴. عسکری، سیدمرتضی، الاسطورة السبئية، ج ۱، ص ۲۶-۲۳؛ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۶۰.

۵. آل محسن، علی، عبدالله بن سبأ حقیقة أم خرافة، ص ۱۰۵؛ هلابی، عبدالعزیز صالح، عبدالله بن سبأ دراسة للروایات التاريخية عن دوره فی الفتنة، ص ۷۴.

۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، تاریخ الطبري، ج ۴، ص ۳۴۰.

۷. زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، ج ۹، ص ۳۷؛ عوده، سلیمان به فهد، عبدالله بن سبأ و اثره فی احداث الفتنة فی صدر الاسلام، ص ۱۱۱ و ۱۵۹ و ۱۸۸؛ امینی، عبدالحسین، الغدير، ج ۹، ص ۳۵۱.

۸. هلابی، عبدالعزیز، عبدالله بن سبأ، ص ۶۳.

۹. همان، ص ۷۳.

حیث صورت (فرم داستان) و هم از حیث ماده (محتوا)، مغایر با روایات شیعی است؛ در حالی که داعش به استناد ابن تیمیه و ابن حزم، ابن سبأ را مؤسس شیعه می‌پندارد.^۱ شیعیان مانند عبدالجلیل رازی (۵۵۶ق)، در کتاب نقض، او را پیشوای نواصب و دشمن امام علی علیه السلام معرفی کرده‌اند.^۲ رازی تأکید دارد که ملحد، ملحد است؛ نه شیعی است و نه سنی؛ هر چند عادت ملحدان آن است که خود را بر مذهبی ببندند.^۳

در متون شیعه، هر آنچه درباره عبدالله بن سبأ ذکر شده، در مذمت و مخالفت اوست.^۴ در احادیث اهل بیت علیهم السلام، در منابع روایی محمد بن عمر کثی و شیخ طوسی، از عبدالله بن سبأ یاد شده است؛^۵ اما از حیث محتوایی، کاملاً متفاوت با نقل طبری است؛ چراکه نمی‌توان آنها را در یک دسته قرار داد. ابن سبأ در احادیث شیعه، از غلات و حتی از نواصب شمرده شده است. آیت الله میرزا خلیل کمره‌ای با گردآوری احادیث اهل بیت علیهم السلام در ردّ غلو و غالیان (از جمله احادیث وارده درباره ابن سبأ)، و تنظیم آنها به ترتیب زمان صدور احادیث، بطلان انتساب عقاید غالیان را به شیعه نشان داده است؛^۶ از حیث فقهی نیز فقهای شیعه، حکم به کفر غلات داده‌اند.^۷

همچنین، انتساب عقیده وصایت امام علی علیه السلام به منافقی یهودی،^۹ در تعارض با حدیث صحیح و متواتر غدیر است.^{۱۰} این امر علت ناتوانی مدعیان قصه‌ی سیف بن عمر، از ارائه حداقل یک مثال متقن از شیعه‌ای که خود را به ابن سبأ منتسب کند، نشان

-
۱. تونسوی، محمد عبدالستار، بطلان عقائد الشيعة و بیان زیغ، ص ۱۱؛ جیزوی، اشرف، علم الحديث بين اصالة اهل السنة و انتحال الشيعة، ص ۳۰؛ هاشمی، سعدی، عبدالله بن سبأ حقیقه لا خیال، ص ۸.
 ۲. قزوینی رازی، نصرالدین، مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، ص ۵۴۲.
 ۳. همان، ص ۲۰۷-۲۰۶.
 ۴. کاشف الغطاء، محمد حسین، اصل الشيعة و أصولها مقارنة مع المذاهب الاربعة، ص ۱۱۵.
 ۵. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۲۲۶.
 ۶. کمره‌ای، خلیل، پیام ایران به نجد و حجاز و مصر، ص ۱۴۸-۴۸.
 ۷. مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۴، ص ۵۲۹.
 ۸. صداقت ثمرحسینی، کامیار، «وصایای پیامبر اکرم (ص) درباره جانشین بلافضل خویش و نقد نظریه انکار وصایت»، پژوهش‌نامه علوی، سال پنجم، شماره ۲، ص ۹۹-۸۰.
 ۹. طبری، محمد، تاریخ الامم و الملوك، تاریخ الطبري، ج ۴، ص ۳۴۰.
 ۱۰. امینی، عبدالحسین، الغدير، ج ۱، ص ۱۶۷؛ تقدیمی معصومی، امیر، طرق حدیث الغدير بروایة الواسطی و الشیبانی و ابن‌ابی‌عاصم، ص ۱۷۶ و ۷۴ و ۱۱.

می‌دهد؛^۱ لذا استاد محمد کرد علی (۱۳۷۲ق)، در خطب الشام، انتساب شیعه به ابن سبأ را مصداق جهل و نادانی دانسته^۲ و یا شیخ محمد ابوزهره (۱۳۹۴ق)، بر صحت عقیده شیعیان معاصر در انکار عبدالله بن سبأ و نامسلمانی او (تا چه رسد که شیعه باشد)، تأکید کرده است.^۳

لازم به ذکر است که مورخان و محدثان، حتی آنان که قائل به قصه‌های سیف بن عمر بودند، پیروان اهل بیت علیهم‌السلام را با عنوان سبئی نام نبرده‌اند؛ در ادامه به سه نمونه از آن اشاره می‌کنیم که عبارت‌اند از:

۱. سیوطی در تفسیر «خیر البریه»،^۴ به روایتی از ابن عباس اشاره دارد که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هو انت و شیعتک یوم القیامة راضین مرضیین».^۵
۲. ابن حجر در الصواعق عبارت «اصحاب و شیعه علی علیه‌السلام» را در مفاد عهدنامه صلح امام حسن مجتبی علیه‌السلام با معاویه مضبوط می‌داند: «... أن اصحاب علی و شیعتہ آمنون علی أنفسهم و أموالهم و نسائهم و أولادهم حیث كانوا...»؛ به موجب عهدنامه، مال، جان، زنان و فرزندان اصحاب و شیعه علی علیه‌السلام، هرکجا باشند، ایمن خواهند بود...^۶
۳. ابن خلدون هرچند خود متأثر از داستان سرایی سیف بن عمر است، اما اذعان دارد که امام حسین علیه‌السلام در خواست شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام ساکن در کوفه را اجابت فرمود: «و اما الحسین فانہ لما ظهر فسق یزید عند الکافة من اهل عصره، بعثت شیعة اهل البیت بالکوفة للחסین ان یأتیهم فیقوموا بأمره...».^۷

نتیجه

چنان‌که مشاهده شد، دو نتیجه کلی (دفاعی و تهاجمی) بر قصه عبدالله بن سبأ مترتب است. درون‌مایه تهاجمی قصه مذکور که با یهودانگاری شیعه همراه است، کاربردی به

۱. امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۳، ص ۱۳۷.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۳۸.

۳. ابوزهره، محمد، تاریخ المذاهب الاسلامیة، ص ۳۵.

۴. سوره بینه، آیه ۷.

۵. سیوطی، عبد الرحمن، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۸، ص ۵۸۹.

۶. امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۱۱، ص ۱۵.

۷. ابن خلدون، عبد الرحمن، المقدمة تاریخ العلامة ابن خلدون، ص ۲۷۱.

مراتب گسترده‌تر در گفتمان تکفیری خانواده وهابیت دارد.

آنچه اهمیت تحقیق درباره قصه‌ی ابن سبأ را دوچندان می‌کند، وجود شباهت معنادار در مؤلفه‌های اصلی گفتمان‌های وهابی از جمله هیئت علمای کبار سعودی و سازمان تروریستی تکفیری داعش است که موجب می‌شود، نقد قصه‌ی ابن سبأ در گفتمان تکفیری داعش به منزله‌ی نقد شیوخ تکفیری نجدی و نقد قصه‌ی ابن سبأ در گفتمان شیوخ نجدی به منزله نقد عقاید تکفیری داعش باشد؛ چراکه داعش در توجیه جنایات خود، از همان شیوه و ادله‌ای استفاده کرده که برای سالیانی دراز در منابع وهابیان نجدی بازنشر شده است.

قصه‌ی ابن سبأ در گفتمان تکفیری داعش، اقتباسی از آثار ابن حزم و ابن تیمیه (و از طبری) به سیف بن عمر می‌رسد و این اقتباس در شاخه تکفیری وهابیت رسمی (درباری) نیز، به خوبی مشاهده می‌شود. این مسئله نه تنها این توجه را حاصل می‌کند که جنایات سازمان‌های تکفیری ریشه در تألیفات ابن تیمیه و ابن حزم و شیوخ وهابی نجدی دارد؛ بلکه نشان می‌دهد مبارزه اصولی و حقیقی با داعش از نقد و مبارزه با گفتمان و منابع تکفیری سلفی – وهابی آغاز می‌شود.

در تحقیقات متعددی، قصه‌ی ابن سبأ از ابعاد مختلفی از بی‌اعتباری قصه‌گو تا تردید در وجود فردی به نام عبدالله بن سبأ، زیر سوال رفته است و محتوای تکفیری آن، نه با عقل سلیم و اصول علم تاریخ سازگار است و نه با احادیث صحیحی چون حدیث متواتر غدیر؛ بنابراین، نقد آگاهانه و مسئولانه ایجاب می‌کند که محکومیت عمل جنایت (کشتار مسلمانان)، با محکوم کردن ریشه‌های شکل‌گیری آن (از قبیل قصه‌ی ابن سبأ) همراه شود. جنایت کشتار ده‌ها هزار نفر مسلمان تنها به دلیل رواج نسبت‌هایی ناروا، مشکوک و بی‌ماخذ، یک‌بار دیگر مسلمانان را به اهمیت تفکیک قصه‌ها از حقایق و رعایت ملاحظات اخلاقی در آموزش، رسانه و انتشارات فرا می‌خواند.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آصف خان قزوینی، قاضی احمد تتوی، تاریخ الفی، محقق: غلام رضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۳. صداقت ثمرحسینی، کامیار، شیعه شناسی معاصر اهل سنت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۴. صداقت ثمرحسینی، کامیار، «وصایای پیامبر اکرم ﷺ دربارهٔ جانشین بلافضل خویش و نقد نظریه انکار وصایت»، پژوهش نامه علوی، تهران: سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۳ ش.
۵. طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۶. قزوینی رازی، نصیرالدین، مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تصحیح: میرجلال الدین محدث ارموی، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، چاپ اول، ۱۳۵۸ ش.
۷. کاشف الغطاء، محمد حسین، اصل الشیعة و أصولها مقارنة مع المذاهب الاربعه، تهران: منشورات اعتماد الکاظمی، ۲۰۰۶ م.
۸. کمراهی، خلیل، پیام ایران به نجد و حجاز و مصر، تهران: انتشارات کتابخانه شمس، چاپ اول، ۱۳۸۲ ق.
۹. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، مقدمه: کاظم مدیرشانه‌چی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه امام علی بن ابی-طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۱ ق.
۱۱. آل محسن، علی، عبدالله بن سبأ حقیقه أم خرافه، تهران: دارالمشعر، ۱۴۲۹ ق.
۱۲. ابن تیمیه، احمد، سؤال فی یزید بن معاویه لشیخ الاسلام ابن تیمیه، تحقیق: صلاح الدین المنجد، دمشق: مطبوعات المجمع العلمی العربی، ۱۹۶۳ م.
۱۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، المقدمة تاریخ العلامة ابن خلدون، تونس: الدار التونسية للنشر، ۱۹۸۴ م.
۱۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، البداية والنهاية، بیروت: مكتبة المعارف، ۱۴۰۶ ق.
۱۵. ابن کثیر، دمشقی، اسماعیل بن عمرو، الباعث الحثیث شرح اختصار علوم الحدیث، تعلیق: ناصرالدین الألبانی، ریاض: مكتبة المعارف للنشر والتوزیع، ۱۱۱۴ ق.
۱۶. ابوزهره، محمد، تاریخ المذاهب الاسلامیة، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۹۶ م.

١٧. امينى، عبدالحسين، **الغدیر فی الكتاب والادب والسنة**، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ١٤١٦ق.
١٨. تقدمى معصومى، امير، **طرق حديث الغدير برواية الواسطى و الشيبانى و ابن أبى عاصم**، قم: منشورات دليل ما، ١٤٢٦ق.
١٩. تونسوى، محمد عبدالستار، **بطلان عقائد الشيعة و بيان زيغ معتنقيها و مفترياتهم علي الاسلام** من مراجعهم الأساسية. مكة: المكتبة الأمدادية، ١٤٠٣ق.
٢٠. جميلى، عبدالله، **بذل المجهود فى اثبات مشابهة الرفضة لليهود**، مدينه: مكتبة الغرباء الاثرية، ١٤١٤ق.
٢١. جندى، انور، **الاسلام و الدعوات الهدامة**، بيروت: دارالكتاب اللبنانى، ١٩٨٢م.
٢٢. جيزاوى، اشرف، **علم الحديث بين اصالة اهل السنة و انتحال الشيعة**، مصر: داراليقين للنشر و التوزيع، ١٤٣٠ق.
٢٣. حمدى زقزوق، محمود، **الموسوعة القرآنية المتخصصة**، قاهره: وزاره الاوقاف، ٢٠٠٣م.
٢٤. خطيب، محب الدين، **الخطوط العريضة لدين الشيعة**، مصر: هدية مجلة الأزهر، ١٤٣٣ق.
٢٥. دهلوى، شاه عبد العزيز، **مختصر التحفة الاثنى عشرة**، قاهره: المطبعة السلفية، ١٣٧٣ق.
٢٦. زحيلى، وهبه بن مصطفى، **التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج**، بيروت، دمشق: دارالفكر المعاصر، ١٤١٨ق.
٢٧. زرقاوى، ابومصعب، **الأرشيف الجامع لكلمات و خطابات اسد الاسلام الشيخ ابومصعب الزرقاوى**، بى جا: شبكة البراق الاسلامية. ١٤٢٧ق.
٢٨. سيوطى، عبدالرحمن، **تفسير الدر المنثور فى التفسير المأثور**، بيروت: دارالفكر للطباعة و التوزيع، ١٤٣٢ق.
٢٩. طبرى، محمد بن جرير، **تاريخ الامم و الملوك**، تاريخ الطبرى، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: روائع التراث العربى، ١٣٨٧ق.
٣٠. عبدلى، عبدالله بن سعدى الغامدى، **عقيدة الموحدين و الرد على الضال و المبتدعين**، طائف: دارالطرفين، ١٤١٩ق.
٣١. عسكرى، سيد مرتضى، **الاسطورة السبئية**، قم: مركز الطباعة و النشر للمجمع العالمى لأهل- البيت عليه السلام، ١٤٢٤ق.
٣٢. عوده، سليمان بن فهد، **عبدالله بن سبأ و اثره فى احداث الفتنة فى صدر الاسلام**، رياض: دار طبية، ١٤١٢ق.
٣٣. قصىمى، عبدالله، **الصراع بين الاسلام و الوثنية**، قاهره: دارالكتب للطباعة و النشر، ١٤٠٢ق.
٣٤. مظهرى، محمد ثناءالله، **التفسير المظهرى**، تحقيق: غلام نبى تونسى، باكستان: مكتبة رشدية، ١٤١٢ق.



٣٥. هاشمي، سعدى، ابن سبأ حقيقة لا خيال، مدينه: مكتبة الدار، ١٤٠٦ق.
٣٦. هلابى، عبدالعزيز صالح، عبدالله بن سبأ دراسة للروايات التاريخية عن دوره فى الفتنة، كويت: حوليات كلية الآداب، ١٤٠٧ق.
٣٧. محميد، ابراهيم بن صالح، القصة الكاملة لخوارج عصرنا، مدينه: بى نا، بى تا. ابوزهره، محمد، تاريخ المذاهب الاسلاميه، قاهره: دارالفكر العربى، ١٩٩٦م.

مجالات سازمان تروريستى داعش:

١. النبأ، صحيفة أسبوعية تصدر عن ديوان الإعلام المركزي، الاعداد: ١؛ ٦؛ ٩؛ ١٦؛ ٢٤؛ ٢٧؛ ٢٨؛ ٢٦؛ ٤٥؛ ٤٧؛ ٤٩؛ ٨٦؛ ١١٩؛ ١٢٧؛ ١٢٨؛ ١٢٩؛ ١٥٠؛ ١٥٨؛ ١٦٦؛ ١٧١.
2. DABIQ (1437 RABI AL-AKHIR) THE RĀFIDAH: FROM IBN SABA' TO THE DAJJĀ
3. www.youtube.com.